

نگاهی به مفاهیم عاشورایی آثار سینمایی دفاع مقدس

سینمای جنگ

وامدار عاشورای ۶۱



مهدی غلیباف

چیزی که معلوم دفاعمقدس را دیدم می آورد و جنگ فکرم را از چارچوب محدود و محدودیت هایم خارج کرد. جنگ های ایران در برابر رژیم پهلوی و خمیان را با سایر جنگ های دنیا متفاوت می کند. یک دوره ای انقلابی است که با باورهای شیعه درمیخیزد. جنگ هشت ساله

منتهل به پیروزی انقلاب اسلامی بود که در آن انگیزه استقلال نفشی بسیار پررنگ داشت حالا در این شرایط یک دشمن اجنبی به ایران حمله می کند. پراخ است که در چنین شرایطی چنین مریدی، تاج نای نخواهد گذاشت

که متجاوز بیگانه بر آنها پیروز شود. صدام که نوپادون نظام سیاسی ایران پس از انقلاب را فرصت مناسبی برای فتح تهران می دید، به این درودانه اهدافی هیچ توجهی نکرده بود. انقلابی برای خدا یا نظام خدا و برای استقلال در پیوند با همین درودانه مذهبی، دفاعمقدس از دو مضمون شیعی بسیار وام گرفته بود: یکی عاشورا و دیگری مهدویت

چنین چیزی در عبارتی که شهیدالموسی خطاب به رزمندگان ایرانی می گوید، کلام نمود پیدا می کند: «یاران اخرا از زمانی سیدالشهدا، در این مکتب انسان مامور به وظیفه است نه نتیجه. در دیدگاه نتیجه گر و مادی، ممکن است خیلی ها فکر کنند که حفظ جان بر نیاختن

سینمایی که راوی زیارت بود

رزمندگان سیاه ق سوادی زیارت داشتند نه فتح. اصلا فتح در نظر آنها چنین چیزی بود نه آنچه محاسبات منطقی مادی می گفت. آنهاکمی خونسردی، قاطعیت و سنجش فلسفاتی پشت این نگاه وجود داشت که در ک آن از عهده هر کسی بر نمی آمد. یک خبرنگار آلمانی وقتی وسط رزمندهای ایرانی ایستاده بود بارگ برده و دست پوای تم کرده گزارش می کرد: اینها از مرگ نمی ترسند؛ می اینکه زندگی بیزار باشند و روی پیشانی هایشان سرنوی بسته اند که بر آن نوشته شده سرباز خدا، عبارتی که او نتوانسته بود از سرنبد سلحشوران ایرانی به درستی ترجمه کند، نه سرباز خدا، بلکه خود خدا بوده، دارااله و این از القاب امام حسین (ع) است. فیلمهای زیادی درباره جنگ ایران عراق ساخته شده است اما تمام آنها نمی شود دفاع مقدس نبست. یک نوع نگاه عرفانی و اشرافی و معنوی که تکلیف محسور است نه نتیجه گر و در عین حال خودشی را از عقلانیت معاف نکرده، در فضای دفاع مقدس حاکم بود و این نگاه بر تعداد معدودی از آثار سینمایی ایران حاکم است. برقراری یک نسبت موق میان عاشورا و دفاع مقدس در سینمای ایران تنها چندبار رخ داده است. فیلم های «نیوا» ۱۳۶۲ و «پرواز» در سال ۱۳۶۵ از رسول ملاقلی پور و فیلم «هویا» در سال ۱۳۷۷ که دنباله ای بر سرنوشت رزمندگان کاتال کمیل یا همان پرواز در شب بود، از جمله آثار مرحوم ملاقلی پور هستند که این یل نویانی

کرپلایی که وطن دل هایشان بود

جنگ ایران و عراق با مکتب عاشورا را رسم کرده اند. ملاقلی پور آخرین فیلمش را هم می خواست در همین فضا بسازد اما بر اثر سکت قلبی در گذشت و جتنی را عی باز آنوسی فیلمنامه این ای نگاه وجود داشت که در ک آن از عهده هر کسی بر نمی آید را جلوی دوربین برد. غیر از ملاقلی پور، شخصیت دیگری که در برقرار کردن پیوند میان عاشورا و دفاع مقدس فعالیت های چشمگیری داشت شهید مرتضی آوینی بود. مجموعه روایت فتح نمونه کاملی از این قضا به است که غیر از فرم و ساختار آن وحی موزیک که یادآور جنگ های صدر اسلام بود، در تریش نام هاهم ایران پرخش می شود. این غیر از تأکیدات فرآوانی است که آوینی می گفت هنوز روز عاشورا شب رسیده است و خرم شهر را درواز ای می دید که بسوی کربلا می شود و محمد جهان را راه آن غاصه ای شلح می کند که بسوی اشد با سخته به میان نیامده است. جنگ ایران و عراق را موضوع خود قرار داده بودند و حتما متجاوز و مدافع را قوتی قائل شوند، نه نهایتا چیزی که سینمایی ایران در سال های اخیر تنها فیلم های مثل اخراجی ها بود. یعنی تقویت حس ناسو یا نسیم به شکی سطحی و بدبینشیم فیلم ابراهیم حاتم ی که البته به شکی نامدین ای است آ می کشد جلوی یک لشکر تا ندانن مسلح را گرفت و از این وجه گرا هر، حراست کرد؟ حتی تمصیب ترین افرادی ملیت ایرانی ایا چارند اعتراف کنند که حفظ مرهای ایران رامدین معجزه ما ابرام حسین (ع) و مدین و علاقه مندان و پیروان او

نیوا/ رسول ملاقلی پور ۱۳۶۲

نیوا اولین فیلم مرحوم رسول ملاقلی پور در سال ۱۳۶۲ است که پیش از آن به عنوان رزمند و عکاس در جبهه ها حضور داشت. این فیلم نسبت به کارهای بعدی ملاقلی پور از لحاظ فنی ضعف های دارد که خصوصا در بازی بازیگرانش به چشم می آید اما معنویتی که در بیان اعتقادات ملاقلی پور با قاب سینما وجود دارد، در این فیلم هم موج می زند. شاید خلوص نیت، عبارتی نباشد که در نقد فیلم کاربرد داشته باشد اما برای ملاقلی پور باید یک استثنای قائل شد و این عبارت را بعنوان توجیه و توضیح قابل قبول درباره سینمای او کار برد. نیوا یا اینکه در سکانس های ابتدایی اش و نمایش اتاق فرماندهی و رزمندگانی که در عملیات شرکت کرده اند به وضوح کار یک فیلم پور در سال ۶۲ است. اما در ادامه بدلیل صمیمیت فضای قصه و همان چیزی که خلوص نیت ملاقلی پور در بیان اعتقاداتش به بازی سیماس، مخاطب را درگیر خودش می کند. یک فلاش بک به زمان تظاهرات انقلاب اسلامی هم در این فیلم وجود دارد که مثل صحنه های عملیات نظامی دچار ضعف های تکنیکی است. جالب اینجاست همان ملاقلی پوری که بعدها به سینمای ایران در اکنش های جنگی تبدیل شد، در ابتدا چندان به بدلیل این چیزها مورد توجه قرار نگرفته بود و بیشتر بدلیل فضای عاطفی کارش مورد توجه قرار گرفت. چیزی که در کنار اکنش های خوین و اوتانها در کارهایش باقی ماند. اسم این فیلم به آن جهت نوشته شد که قهرمان هایش آروی زیارت قهر امام حسین (ع) را دارند. در سکانس های پایانی فیلم ایا فضل به یک سنگ می رود و با غلامحسین مهاجری می کند که او چطور و در چه جهتی خمیاره بیندازد. غلامحسین هراب که خمیاره ای انداخت، فریاد می زند (ا مهدی) ایا ایا فضل یا سخی می دهد (درکنی). پاسخ ایا فضل به معنای زنند و بسو بدن او هم هست. این رفت و برگشت ها شبیه جرحه های است که امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) هنگام رفتن به کنار شط فرات برای آگاهی از احوال هم می خوانند. پس از مدتی نبرد، دست چپ ایا فضل گلوله می خورد اما همچنان پاسخ غلامحسین را می دهد. او با دست راست می جنگد و در انتها دست راست او هم گلوله می خورد. واضح است که این بخش از فیلم، چقدر به جایز علقمه شباهت دارد، خصوصا اینکه اسم این رزمنده ایا فضل است. صدای درگیری باعث می شود رزمندگان ایرانی متوجه این جبهه می شوند و به آنجا حمله کنند. غلامحسین که در این مدت کوتاه، به رغم اینکه ایا فضل را به چشم ندیده، با او احساس بد رو فرزند پیدا کرده بود، حالا دلش بر سرش می گردد و گریه می کند که چرام را نبردی؟ مگر کار نبود وقتی به کربلا رسیدیم، دو دستم را بگیر و کنار بصری بقی؟

پرواز در شب/ رسول ملاقلی پور ۱۳۶۵

لشکر سیدالشهدا تهران سه گردان خشک کش داشت: کمیل، مقداد و عمار. مرحوم رسول ملاقلی پور پرواز در شب، را راجع به چپهای گردان کمیل ساخت و ۲۱ سال پس از آن بهرام توکل در فیلم تنگه تارکوب، به ایستگاهی گردان عمار در آخرین روزهای جنگ پرداخت. البته تاکنون هنوز فیلم گردان مقداد ساخته نشده است. بهرام توکل خودش می گفت در ساخت این فیلم غیر از شهید آوینی از فیلم های رسول ملاقلی پور تاثیر بسیاری گرفته است و این را می شد در فرم تکنیکی کار او هم مشاهده کرد اما تفاوت سینمای دفاع مقدس در دوران خلوص آن را با چیزی که امروز داریم، می شود از مقایسه بین تنگه ابوقریب و پرواز در شب فهمید. تنگه ابوقریب به طور کل خالی از جنبه های معنوی و مذهبی چپهای جنگ است، درحالی که پرواز در شب یکسره با عاشورا و امام حسین (ع) ارتباط دارد.

اینکه یک کارگردان امروزی با بعضی افراد محولط او چه تصویری از رزمندگان را برای نمایش در امروز می پسندند، یک بحث است اما بحث اینکه واقعیت آنها چه بود، چیز دیگری است. آنها برای خدا می جنگیدند، نه انگیزه های که بعدا مد شد و حالا بخوایم بعد از ده سال فیلم ایا فضل را ببینیم، در واقعیت اینها را به چیزی که امروز داریم، می شود از مقایسه بین تنگه ابوقریب و پرواز در شب فهمید. تنگه ابوقریب، به طور کل خالی از جنبه های معنوی و مذهبی چپهای جنگ است، درحالی که پرواز در شب نام برد و گفت اا رسول منتظر پروازهای مدعی ات هستم. رسول ملاقلی پور هم مدتی بعد «هویا» را ساخت که به نوعی نقی به آن پرواز در شب است. اما از چشم انداز آدم های امروزی.



داستان پرواز در شب از این قرار است که گردان کمیل در محاصره قرار می گیرد و ارتباطش با قراگاه مرکزی قطع می شود. چهار نفر از رزمندهای گردان انتخاب می شوند تا دو گروه دوفره، برای درخواست کمک خودشان به قراگاه برسند. سه نفر از آنها شهید می شوند و یکی خود را به قراگاه می رساند. از طرف دیگر تارتش به بمب شیمیایی به کاتال کمیل حمله کرده است. اکثر رزمندهای رزمی و تشنه هستند. آخر آقا مهدی ترمان، فرمانده گردان، برای تهیه آب مخفیانه به یک سنگر دشمن می ریزد. ماجرای آب آوردن او کاما در شباهت با ماجرای سقایی حضرت ابوالفضل (ع) شبیه سازی شده و یکی از تاثیرگذارترین سکانس های تاریخ سینمای ایران است. این فیلم در سالی که اکران شد، نیت هم جدول فروش را به دست آورد. تا پیش از آن گیشه ها در تسخیر اکنش های پرضرب بود اما پرواز در شب مسیر سینمای جنگ را در ایران تغییر داد و این تاثیر تا مدت ها باقی ماند. این فیلم نقطه تولد سینمای دفاع مقدس بود. زمانی که در دهه های ۶۰ و ۷۰، فرمانده گردان کمیل، به داخل سنگر بعضی ها می رود تا برای باران رزمی و تشنه اش آب بیاورد، ابتدا بدست وقتی مهدی ترمان، فرمانده گردان کمیل، به داخل سنگر بعضی ها می رود تا برای باران رزمی و تشنه اش آب بیاورد، ابتدا بدست می شود که آدمی که تا کمی خودش را به آب می خور و در نهایت آنکارا کرد و پرواز در شب را می بیند. این موضوع یادآور صحنه ای از قیام عاشورا است که حضرت عباس (ع) برای آوردن آب کنار نهر علقمه رفتد بود. بعد او با عراقی ها درگیر می شود و وقتی قفسه هاشم تیر می خورد، باز به یاد تیری می افتیم که به شک حضرت عباس (ع)، خود، سال ۱۳۶۵ وقتی این فیلم اکران شده بود، موقع نمایش این صحنه ها مردم در سالن های سینما یا بلند می شدند گریه می کردند.



سینمای دفاع مقدس به روایت امار

سینمای دفاع مقدس که در دهه ۶۰ ناگهان در اوج متولد شد، غیر از ویژگی های کلی سینمای جنگ که پیش از آن در سایر نقاط دنیا هم سابقه داشت، دارای خصوصیات منحصر بفردی بود که هم کاما ایرانی بودند و هم با دوره خاصی در دهه اول انقلاب ارتباط داشتند. از این جهت سینمای دفاع مقدس را رفته رفته می شود یک ژانر دانست که خصوصیات پرسامد و تکرار شونده ای را به عنوان قالب های کلی اش پذیرفته بود و از لحاظ محتوایی هم ذیل یک مکتب به خصوص قرار داشت: مکتب انقلاب اسلامی. از این روایزه مقدس در عبارت دفاع مقدس را نمی توان صرفا یک استعاره شاعرانه دانست، بلکه به معنای دقیقی دلالت می کند. با این تعریف تمام فیلم های جنگی سینمای ایران دفاع مقدسی نیستند و از طرفی تمام فیلم های دفاع مقدس، در خود سنگتراها ماجرا را روایت نمی کنند. با این حال در سال های اخیر توجه دولت ها به سینمای دفاع مقدس مرتب کاهش پیدا کرده است و معمولا دلیل این وضعیت، عدم اقبال مخاطبان سینما به فیلم های ا است. این دست عنوان می شود: درحالی که موزای با روند نزولی حمایت از فیلم های جنگی، سعی شده انواع دیگری از فیلم سازی در سال های اخیر با یاری انواع امکانات دولتی برای مخاطبان جا بیفتند و برجسمی حضور این نوع فیلم ها، مرتب سینمای سینمای ایران را کمتر کرده است. کندی های سختی که نهایتا بر عرصه آنها شبکه نمایش خانگی و سالن های تئاتر نقی درجه ۲ ایرانی در هر دهه، دفاع مقدسی بوده اند در جدولی دیگر آمده است.

عنوان	۶۹-۶۴	۷۹-۷۰	۸۰-۷۹	۸۸-۹۰
فیلم های دفاع مقدس	۳۵	۱۱۰	۸۶	۳۷
کل فیلم های نمایش داده شده	۲۹۲	۶۹۷	۷۴۱	۱۰۴۳
درصد فیلم های دفاع مقدس به کل فیلم ها	۱۲ درصد	۱۶ درصد	۱۲ درصد	۴ درصد

گونه	سینمای دفاع مقدس در فاصله سالهای ۹۰ تا ۹۸
اجتماعی دفاع مقدس	تعداد فیلم ۳۷،۵۲۴
دفاع مقدس	۲۹ تعداد فیلم ۱۴۵،۵۵۷،۹۰۰،۰۰۰
دفاع مقدس معاصر	۲۰۲۸۷ تعداد فیلم ۴۸،۴۴۴،۰۰۰
دفاع مقدس بیگرافی	۲ تعداد فیلم ۱۶۹،۰۲۸،۸۰۰
دفاع مقدس کندی	۲ تعداد فیلم ۳،۵۵۷،۱۱۴
جمع کل	۳۷ تعداد فیلم ۶۱۵،۹۹۵

هویا/ رسول ملاقلی پور ۱۳۷۷

تصویری که فیلم هویا از سنگر رزمندگان ایرانی نشان می دهد، در امتداد همان تصاویری است که ملاقلی پور در بعضی فیلم های دیگرش به خصوص پرواز در شب از آنها نشان داده بود. باز هم همه تشنه اند و صحنه این رزم یا قیام عاشورا پیوند می خورد. حتی در بخشی از فیلم صحنه ای هست که حمید، فرمانده رزمندگان موقعیت کمیل، به سمت بشکه آب می پرود و دست در آن می برد تا بنوشد، اما یاد همرزمانش می افتد و از این کار منصرف می شود. این نشتها یادآور ماجرای معروف آب آوردن حضرت عباس (ع) از نهر علقمه است بلکه عینا سکانسی شبیه آن در فیلم پرواز در شب هم وجود داشت. اما شخصیت دیگری که بین بچه های موقعیت کمیل حضور دارد و نمادی از جاماندگان جهاد است، مخفیانه می آید و از آن آب اندک و جیره بندی شده می نوشد. این شخص امیر کریمی است که آتیلا پسیانی نقش آن را بازی می کند و بعدها سفیر ایران در سنگال می شود. این شخصیت هم می تواند یکی از کتابه های مکرر ملاقلی پور به دیپلمات ها در فیلم هایش باشد.

کریمی حتی برای اینکه از نبرد فرار کند، گلوله ای را مع پای خود می زند. هویا اکبری ۱۵ سال پس از مفقود شدن هسروش حمید در بحبوحه جنگ، تصمیم می گیرد تا از مناطق جنگی و خانهای که در آن با هسروش زندگی می کرده، بازدید کند. امیر کریمی که حالا سفیر ایران در سنگال است و زمانی جزه نیروهای

روایت فتح/ مرتضی آوینی ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۲

شهید آوینی خودش جمله ای دارد که نسبت منظمه فکری او و بالطبع سینمای دفاع مقدس او با مفهوم عاشورا را به واضع ترین شکل ممکن توضیح می دهد. او می گوید هرکسی می خواهد ما را بشناسد، داستان کربلا را بخواند.، اینکه آوینی چگونه عاشورا را با فرهنگ دفاع مقدس پیوند می دهد، در جملاتی دیگر از خود او که آهنگ حماسی و عرفانی شگفت انگیزی هم دارند، مشخص است. ای آنکه سال ۶۱ هجری هنوز در ذخائر خلقت نهفته بودی، نویدم مشو که تو را نیز عاشورایی است و کربلایی که تشنه خون تویت و انتظار تو را می کشد تا تو زنجیر از پای اراده ات بگسلی و از خود و دایستگی هایت هجرت کنی.، به این ترتیب می شود فهمید که او عاشورایی شدن ملت ایران را تنها در این جنگ هشت ساله خلاصه نمی کند بلکه این را مبدأ شروع یک تاریخ جدید می داند و آن را سیردن پرچم انقلاب به دست صاحب الزمان (عج) امتداد می دهد. وقتی جنگ تمام می شود و دستگاه اجرایی کشور با تمام امکانات سعی می کند که روحيات مربوط به آن دوران فرواموش شوند، ناله غربت آوینی و هم سنگ تراش بلند می شود. این مدافع اجرایی در دوران جنگ هم مسئولیت هایی داشتند و در آن دوره طور دیگری موضع می گرفتند و حرف می زدند. وضع طوری شده بود که به نظر می رسید انگار یک محاسبه عقلانی در کار بوده تا هنگام جنگ، روحیه شهادت طلبی رزمندگان برای حفظ کشور مورد استفاده قرار بگیرد اما حالا که این مشکل حل شده، دیگر این آدم ها و فرهنگ شان باید کنار گذاشته شوند.

روی همین حساب، رزمه های غمباری که عطف به دوران جنگ از سوی هنرمندان دفاع مقدس سر داده می شد، چیزی بیشتر از نوستالژی بود و جنبه اعتراضی داشت. بخش قابل توجهی از مجموعه سند روایت فتح با اینکه در دوران جنگ ضبط شده بود، پس از پایان جنگ تدوین شد و در کنار مصاحبه ها و تصاویر جدید قرار گرفت. اما آوینی چنان با این موضوع برخورد می کرد که انگار جنگ تمام نشده است و در نوشته هایش بارها این جنبه اعتراضی را هم نشان داد. اما روایت فتح عمدا تمام شدن جنگ را به رسمیت نمی شناخت، چنانکه ماجرای ایاپان یا فته فرضی نمی کرد و می گفت: «هنوز روز عاشورا به شب رسیده است». اصطلاح جالبی بین بچه های جنگ بواج داشت و معنواں رزمین کبر شدن، که امروز می کرد به درگیری و مشغولیت یک رزمنده دفاع مقدس یا مسائل رزمینی و امور دنیایی. چیزی که او را از هم قافله هایش جدای می کرد. می گفتند فلانی رزمین گیر شده اما آوینی هویا گاه رزمین گیر نشده، پرسویتی که مقصدش پرواز است، از ویرانی لانه اش

عصر روز دهم/ مجتبی راعی ۱۳۸۷

اواخر سال ۸۵ بود که رسول ملاقلی پور به کربلا سفر کرد تا برای فیلمنامه ای که قصد ساختش را داشت، لوکیشن هایی را بازدید کند و آن سفر اگرچه به تهیه مستندی با نام شش گوشه عرش منجر شد، اما دیگر برای ساخت فیلم تکرار نشد و او نیمه اسفند همان سال در گذشت.

دوسال پس از فوت ملاقلی پور مجتبی راعی (عصر روز دهم) را با نوبیسی فیلمنامه و براساس طرح داستانی خود ملاقلی پور جلوی دوربین برد. داستان این فیلم از این قرار است که دو جوانی به نام کتکتر میر شیرازی با گروهی از پزشکان ملال احمر برای کمک به مردم جنگ در عراق عام این کشور می شود، اما هدف اصلی او جستجو برای قتل خواهر گمشده اش است که در کودکی و هنگام جنگ ایران و عراق، توسط یک سرباز عراقی که صاحب فرزند نمی شد، ربوده و در شهر کربلا بزرگ شده است. سفر مریم به عراق همزمان با ایام عزاداری عاشورا است.

ملاقلی پور در کنار اکنش های کنفرینر و صحنه های واقع گرا شوک آوری که به تصویر می کشید، یک استاد معیار در ملودرام هم بوده است. او درونمایه های عاطفی تاثیرگذاری در تک تک آثارش داشت و از «پرواز در شب» به این سو در اکثر فیلم های صحنه ها با سکانس های به چشم می خورد که می توانست خیلی راحت از مخاطش گریه بگیرد. با ناکا به خط اصلی داستانی در عصر روز دهم و نگاهی دیگر به کارنامه مرحوم رسول ملاقلی پور، می شود حس زد که اگر خود او این فیلم را می ساخت، با در فضای دلنشین و تاثیر انگیزی مواجه می شدیم. به علاوه، بخش هایی از فیلمنامه او که منتشر شده اند را می شود با فیلمی که مجتبی راعی ساخته عایقه کرد.

از میزبان ها اتفاقا، همه چیز را شاعرانه تر نوشتند. اما اصطلاحا از آوردن این صحنه ها هنگام کارگردانی، کار سختی است که از عهده هر کسی بر نمی آید. و راعی باید این پرداختن های لطیف و شاعرانه را زده است. حتی فضای کار در آن چیزی که ملاقلی پور می خواست تا آنچه او درآورده، افضله زیادی دارد. راعی خشک و جوی یک دختر خسته خواهرش به نیت ما در مادرش را نشان می دهد و جنگ که کارها را سبب این موقعیت دراماتیک هستند، یعنی باید جنگ باشد تا دختر که شاد و توسط یک سرباز عراقی که قیغه است، به عراق ورده شود و کربلا و مریم طرسم عاشورا هم باشند تا مریم به نهانه آن مراسم، به این شهر برود و دنبال خواهرش بگردد. به عبارتی اینها برای راعی وسیله جبر بدن درام شده اند، درحالی که برای ملاقلی پور هدف بودند. وی می خواست چنین نشان بدهد که عشق به امام حسین (ع) پس از یک جنگ خوین بین دولت ایران و عراق، باعث دوستی او و برادری شان می شود، اما راعی چنین چیزی را به خوبی درنیاورد و است. رسول

خروج/ ابراهیم حاتم ی ۱۳۹۸

بدبینشیم فیلم ابراهیم حاتم ی که داستان گروهی از کارگران روستایی است که شرکت سهامی آب، هنگام تخلیه سد آب شور به اشتباه آن را روانه رزمین های کشاورزی ای می کند یا باعث نابودی تمامی محصولاتشان می شود. آنها پس از آنکه از طریق مسئولان سد، دهیار، بخشدار و امام جمعه موفق به حل مشکل شان نمی شوند، تصمیم می گیرند نزد رئیس جمهور بروند و مشکل شان را با او درمیان بگذارند. این گروه با تراکتور از روستا ای خود به سمت تهران عزیمت می کنند و طوطی نمی کشد که خبر شرکت در جنگ ترغیب می کرد و بدون اینکه خودش آسبی بیند، باعث ایجاد بحبوحیت و مشکلاتی برای آنها می شود. مقصود این فیلم غیر از طرح مطالبات معیشتی و اجتماعی مردم که جنبه سیاسی پیدا می کند و به سوال در این زمینه که «حدود معقول و متعارف اعتراض تا کیجاست؟» دامن می زند، به جهت اقتباس آزاد و امروزی اش از ماجرای عاشورا یادآور کارگردان دیگری است که سال ها او همتای حاتم یی در سینمای ایران می دانستیم. از این جهت خروج را می شود اولین فیلم ابراهیم حاتم یی که دانست که غیر از بعضی موضع گیری های کلی و مشغونی، در شازندین قصه هم تا این حد به کارهای مرحوم ملاقلی پور شبیه است.

وی هم برای نوشتن داستان هایش به اقتباس آزاد از ماجرای عاشورا می پرداخت. در عین حال، پیروندهای فیلم خروج به نوعی درحال بازسازی صحنه دفاع مقدس هستند. رحمت در دوران جنگ هم متهم به این بوده که جوانان روستا را برای شرکت در جنگ ترغیب می کرد و بدون اینکه خودش آسبی بیند، باعث ایجاد بحبوحیت و مشکلاتی برای آنها می شد. او به همین دلیل ارتباطش را با مردم عادل آباد قطع کرده بود تا کتابه نشود، اما حالا که یک قریاتی داده، می تواند بازهم سینه سپر کند و رحمت سال های جنگ خود که سرخیل یک سفر پرخطر و آزمان خواهانه بود.

واقع دوران جنگ به شکل امروزی تکرار می شود. پیرومردا سوم بر تراکتورهایشان به سمت خیابانی می روند که بنز رئیس جمهور از آن عبور می کند و از اینجا ساخت احتمالی آنها در دوران جنگ هم آشنا می شویم. شخصیت های فیلم ارتباط معنوی و مستقیمی با جنگ دارند. ضمن اینکه طبیعی است مردم مناطق محروم و روستایی کشور، نسبت به برخی مناطق دیگر، شهدای بیشتری را تقدیم انقلاب کرده باشند و با جنگ ارتباط بیشتری داشته باشند.

چنانکه پیش از ساخته شدن فیلم خروج اتفاقاتی شبیه به این در مناطق مرکزی ایران رخ داده بود و گفت وگویی



نی هراس

هیچ گاه رزمینی و دودنا چهراتی نشد. او در یک کوچ دالسی به سمت قطعه رزمینی بود که مرتفع تر از آسمان است؛ یعنی کربلا و بالاخره به قهرمان های فیلم هایش پیوست.



ملاقلی پور این ایده را قبل از گذرته شدن

راهیمی بزرگ اربعین درنظر داشت و می خواست برایش فیلم بسازد و روی همین حساب، خود روز عاشورا را به عنوان میادگاه دو ملت خواهر با دارندة انتخاب کرد. چنین ایده ای پس از ملاقلی پور توسط هیچ فیلم ساز دیگری جدی گرفته نشد، گرچه توجه به آن می توانست خیلی از سوتفاهم های بعدی که از اتباع دو کشور را حل کند.



خیزگانان را کشاورزان معترض نشان می داد که بیشتر آنها

از خانواده های شهدا هستند. بهرحال قبل از فیلم خروج، فیلم های زیادی در سینمای ایران، دفاع مقدس را با مفاهیم اعتراضی پیوند داده بودند که قابل تامل توجهی از آثار حاتم یی که هم جزه آنها هستند.